

فارسائیهای بنیادی

نظام آموزش کشاورزی ایران

● فتح‌اله آقاسی زاده

کارشناسی ارشد ترویج کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس

● قسمت دوم و پایانی

نظرات ارائه شده، طی جلسات متعدد بحث و مذاکره، طرح نظام نوین آموزش کشاورزی را، در آذر ماه ۱۳۵۹ تهیه نمود. این طرح، در جلسه مشترک اعضای ستاد انقلاب فرهنگی، وزیر آموزش و پرورش وقت، وزیر فرهنگ و آموزش عالی وقت و اعضای گروه کشاورزی، مطرح شد و پس از بحث و بررسی با تغییراتی مورد تأیید قرار گرفت و قرار شد، به صورت پیشنهادی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی اعلام شود. همچنین، یک نسخه برای مراکز آموزش عالی کشاورزی، فرستاده شد. پیشنهادات و نظریاتی که بعد از آن نظرخواهی، به گروه رسید، در بررسی‌های بعدی مورد مطالعه قرار گرفت و با توجه به این پیشنهادات، طرح نظام آموزش کشاورزی، پس از تغییرات و تصمیمات لازم، در گروه کشاورزی به تصویب نهایی رسید.

از این پس، با توجه به این که چهارچوب نظام آموزش کشاورزی، مقاطع، رشته و اهداف مورد نظر، از ایجاد هر مقطع تعیین گردید، قرار شد، کمیته‌هایی تشکیل شوند، تا محتوای آموزش رشته‌های مختلف این مقطع را تهیه نمایند. از بهمن ماه ۱۳۵۹، کمیته‌های تخصصی دهگانه‌ای به تدریج تشکیل و بر اساس وظایفی که از طرف گروه تعیین شد، آغاز به کار کردند. کمیته‌های تخصصی گروه کشاورزی، تا بهمن ماه ۱۳۶۰، برنامه و سرفصل دروس، در رشته‌ها و مقاطع مختلف نظام آموزش کشاورزی را به پایان

نگارنده این سطور، معتقد است که ما درباره آموزش کشاورزی، تعمق و اندیشه و برنامه‌ریزی نمی‌کنیم و اگر در موافقی هم به این امر خطیر توجه نموده‌ایم، ضمانت اجرایی ندارد و به هیچ انگاشته می‌شود. برای اثبات این مدعا، به نمونه ذیل توجه نمایید:

«در بی فرمان امام خمینی (ره) رهبر عظیم‌السان انقلاب اسلامی، مینی بر تشکیل ستاد فرهنگی، در مرداد ماه ۱۳۵۹، گروه برنامه‌ریزی آموزش کشاورزی، در کنار دیگر گروه‌های برنامه‌ریزی ستاد تشکیل شد و آغاز بکار نمود. در اولین مراحل کار این گروه، وضعیت آموزشی گذشته دانشکده‌ها و مراکز آموزش عالی کشاورزی، مورد بررسی و نقد قرار گرفت... با توجه به نظرات ارائه شده و همچنین اهداف و اصول مورد نظر در آموزش کشاورزی، گروه به این نتیجه رسید که برنامه‌های آموزش کشاورزی، باید از دوره‌های قبل از دانشگاه بی ریزی شود. بدین منظور، برای آگاهی از آموزش دوره ابتدایی و متوسطه، جلسه مشترکی با حضور نماینده کمیته تخصصی آموزش پیش دانشگاهی تشکیل شد. در این جلسه به ضرورت آموزش علمی و نظری کشاورزی در دوره راهنمایی، تأکید گردید. گروه کشاورزی با استفاده از تجارب اعضای خود در زمینه آموزش، تحقیق و ترویج کشاورزی و همچنین، پس از بررسی کامل طرح‌ها و

● برنامه‌ریزی (پیش‌بینی)

بروفسور بلوت زارمبا، عنوان می‌کند که «برنامه‌ریزی یعنی پیش‌بینی، هدف از برنامه‌ریزی این است که بهترین تصویر از آینده را پیش‌بینی کند و مشخص نماید که چه طور باید آن را در مراحل مختلف اجرا نمود.»***

دکتر اسماعیل نسهبازی، معتقد است که «برنامه‌ریزی، اندیشه و تدبیر است. برنامه‌ریزی، تفکر منطقی و معقول در آینده‌نگری است. برنامه‌ریزی، یک پیش‌بینی مستدل برای آینده است. برنامه‌ریزی، تفکر و جستجو برای یافتن مطلوبیتها، در زندگی و استغال است. برنامه‌ریزی، پیش‌بینی تحولات و وقایع مورد انتظار، در حال و آینده است.»**

اگر در این تعاریف از برنامه‌ریزی، تعمق نماییم، ملاحظه خواهیم کرد که ما اصلاً به برنامه‌ریزی در آموزش کشاورزی توجه نداریم. آیا ما به آینده آموزش کشاورزی می‌اندیشیم؟ آیا تصویری مطلوب، از آینده آموزش کشاورزی، در ذهنمان ترسیم کرده‌ایم، تا در آن جهت حرکت کنیم؟ آیا ما درباره آموزش کشاورزی، اندیشه و تدبیر می‌کنیم؟ آیا ما به آینده‌نگری و پیش‌بینی در آموزش کشاورزی، اعتقاد داریم؟ و...

از طرفی، اگر بیس‌بینی و آینده‌نگری هم انجام داده‌ایم، آیا بدان توجهی می‌کنیم؟ آیا آنها را در کارهایمان و فعالیت‌هایمان می‌گنجانیم.

رساندند و جهت بررسی و هماهنگی به گروه کشاورزی، ارائه نمودند. این برنامه‌ها در گروه کشاورزی بررسی و هماهنگ گردید.

جمع کل ساعات کار گروه کشاورزی، در جلسات مربوطه، با توجه به تعداد ۲۷۵ جلسه تشکیل شده از ابتدا تا بهمن ماه ۱۳۶۱، بالغ بر ۸۵۷ ساعت می‌شود؛ به این ترتیب، بر حسب تعداد متوسط افراد شرکت کننده در هر یک از جلسات گروه، بالغ بر ۵۹۵۰ نفر ساعت تا تاریخ تدوین این کتاب [بهمن ماه ۶۱] ۱۵۲۳۵ نفر ساعت، جهت برنامه‌ریزی نظام نوین آموزش کشاورزی صرف وقت شده است.^{۱۸*}

ذکر این نکته جالب است که بدانیم، در طرح تدوین نظام نوین آموزش کشاورزی ستاد انقلاب فرهنگی، افراد متخصص و صاحب نامی، چون دکتر اسماعیل شهبازی، دکتر غلامحسین زمانی، دکتر ایرج ملک محمدی، دکتر هوشنگ ایروانی، دکتر بهمن یزدی صمدی و بسیاری دیگر از افراد مسؤلیت و عضویت داشتند، که همگی از افراد برجسته و صاحب‌نظر، در بخشهای مختلف آموزش کشاورزی به حساب می‌آیند.

به هر حال، گروهی از مجرب‌ترین افراد کاردان و با تجربه، در کلیدی‌ترین مجموعه ملی، گرد هم آمدند، ساعات بسیاری را صرف کردند و در نهایت، نظام نوینی را برای آموزش کشاورزی خلق کردند. تا به این وسیله معایب نظام آموزش کشاورزی را به کناری نهند و چشم انداز مطلوبی برای آینده، ترسیم نمایند. آموزش برای عمل، پیوند با مشکلات و ارتباط با جامعه، و... دیدگاههای بنیانی این نظام به حساب می‌آید. [این نظام به نظام طولی (نا پیوسته - با وقفه) آموزش کشاورزی معروف شده است.]

نهایتاً کار به کجا انجامید؟ آیا نمره همه تالانها، بررسیها، و اندیشه‌ها بکار گرفته شد؟ متأسفانه، بعد از مدتی، همه رشته‌ها بنیبه شد، همه طرحها و اندیشه‌ها و آمال و اهداف گروه برنامه‌ریزی کشاورزی ستاد انقلاب فرهنگی، برای همیشه به دریای عدم رهسپار شد و به جز بخشهایی نه چندان مهم، اجزای مهمی چوه، تغییر در اهداف و ساختار نظام هیچ‌گاه عملی نشد.^{۱۹*}

راستی به این تجربه، چه نامی می‌توان داد؟ توجه به برنامه‌ریزی و پیش‌بینی‌ها و تدبیرها؟؟ یا...

برای آشنایی بیشتر با این موضوع که ما به پیش‌بینی‌ها و برنامه‌ریزیهای کارشناسی شده؛ هیچ اعتنایی نمی‌کنیم، می‌توانیم به مسأله نیروی انسانی تحصیلکرده بخش کشاورزی کشور اشاره نماییم. به وضعیت نیروی انسانی تحصیلکرده کشاورزی در گذشته، پیش‌بینی گروه کشاورزی ستاد انقلاب فرهنگی و وضعیت موجود، خوب توجه فرمایید! بیشتر با موضوع درگیر خواهید شد. برای شناخت بیشتر می‌توانید به جداول و نمودارها نیز، توجه فرمایید.

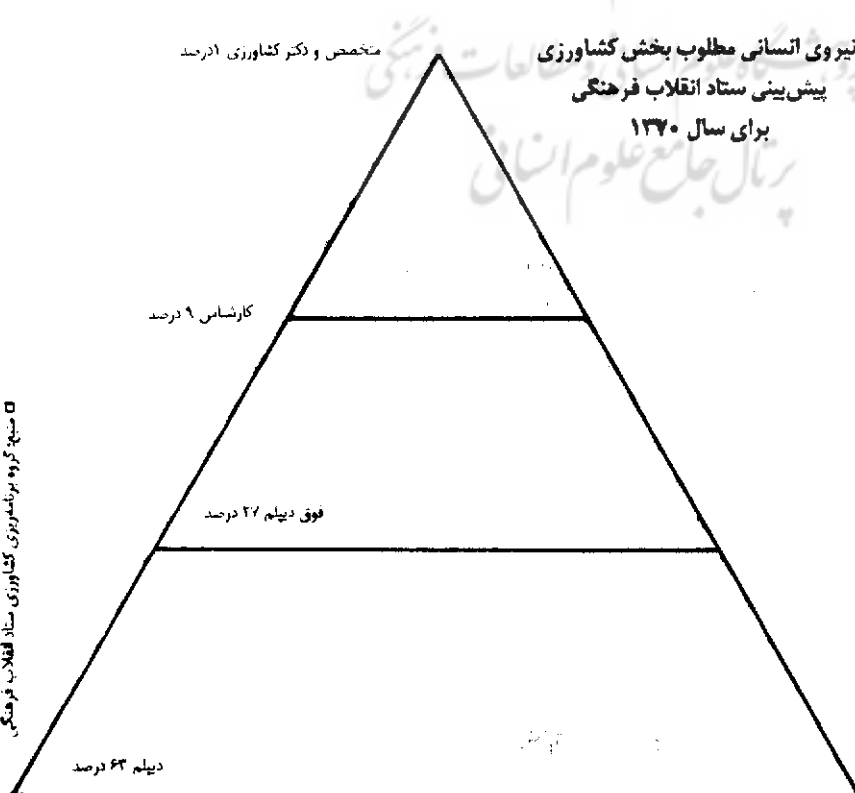
■ نیروی انسانی دانش آموخته بخش کشاورزی

مقطع	تعداد	درصد
دیپلم	۴۰۰۰	۳۵/۱٪
فوق دیپلم	۵۰۰	۴/۴٪
کارشناس	۶۰۰۰	۵۲/۶٪
فوق لیسانس	۵۰۰	۴/۴٪
دکتری	۴۰۰	۳/۵٪

* منبع: گروه کشاورزی ستاد انقلاب فرهنگی
وضع گذشته سال ۱۳۶۰

■ عدم پیوند و ارتباط با جامعه کشاورزی

متأسفانه، نظام آموزش کشاورزی، به نظامی منزوی و بسته تبدیل شده است. این نظام، خود را ملزم به هیچ ارتباطی با جامعه روستاییان و کشاورزان نمی‌داند. در اماکن خاصی محدود شده‌اند و حوزه اتصالی با روستاییان و کشاورزی دیده نمی‌شود. بانگاهی به وضعیت تحصیلکرده‌های مقاطع لیسانس و بالاتر آموزش کشاورزی، ملاحظه می‌شود که تجارب کاری و آشنایی با نظام کشاورزی، به عنوان یک فاکتور مهم تلقی نمی‌شود. دانش‌آموختگان به طور صعودی، فقط از صندلیهای مدارس، آموزشکده به دانشکده و دانشگاه وارد می‌شوند و برای آنها هیچ برنامه‌ای جهت آشنایی با بازار کار و جامعه کاری، تدارک دیده نمی‌شود. این نقص به ویژه، برای تحصیلات کشاورزی در مقاطع عالی تحصیلات (تحصیلات تکمیلی)، حتماً باید رفع شود و برای حل این معضل، فکری اندیشیده شود.



■ مدیریت متفرق تشکیلاتی

امروزه، نظام آموزش کشاورزی متولی، مجری و سیاستگذار واحدی ندارد. معلوم نیست که مدیریت این نظام مهم آموزشی به عهده کیست و چه ساسانی حاکم است؟

وزارت کشاورزی، وزارت آموزش و پرورش، وزارت جهادسازندگی، وزارت فرهنگ و آموزش عالی و دانشگاه آزاد اسلامی ... مجریان نظام آموزش کشاورزی هستند. هر کدام با سازی متفاوت و با اوضاعی همیشه در نوسان و رکود.

وزارت کشاورزی، برای خودش مراکز آموزشی خاصی دارد.

وزارت آموزش و پرورش، عهده دار بخشی از آموزش رسمی کشاورزی است.

مشخص نیست که علیرغم هدفمند نبودن آموزش در هر دو وزارتخانه، چرا این دو وزارتخانه به

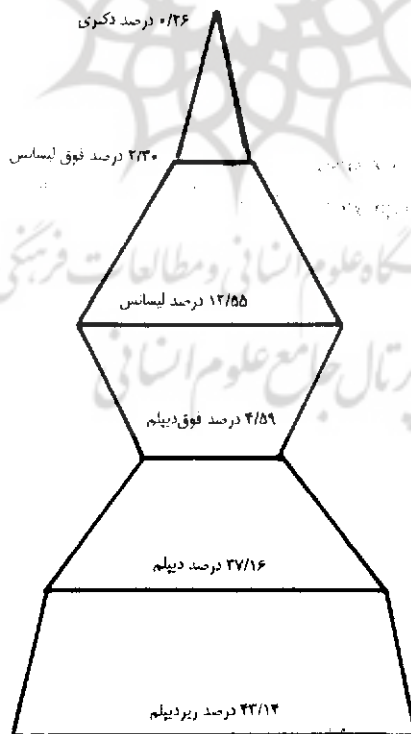
ناهماهنگی می‌کند، در نتیجه، اتخاذ یک سیاست واحد و متناسب به فراموشی سپرده می‌شود.

■ دکتر محمد بای‌بوردی و تحلیل مختصری درباره آموزش کشاورزی ایران

دکتر بای‌بوردی معتقد است که: بیش از نیم قرن است که آموزش کشاورزی در ایران وجود دارد و نقش کارشناسان در حل مشکلات فنی و علمی کشاورزی کشور، به ویژه در گذشته، غیر قابل انکار است. متأسفانه، برخی از مسئولان کشور، کمبود کارشناس و تحصیلکرده کشاورزی را یکی از علل پس ماندگی کشاورزی ایران می‌دانند. این برداشت، هرچند ممکن است، در مقطعی درست باشد، ولی در شرایط فعلی اعتباری ندارد. هم اکنون، اگر ده هزار فارغ‌التحصیل رشته‌های گوناگون کشاورزی با درجه دکترا و از بهترین

نیروی انسانی وزارت کشاورزی (سال ۱۳۷۱)

□ منبع: سالنامه آماری کشور ۱۳۷۱ مرکز آمار ایران.



■ نیروی انسانی دانش‌آموزانه بخش کشاورزی (شاغلین در وزارت کشاورزی در نظر گرفته شده)

سطح تحصیلات	تعداد	درصد
دوره دکتری	۱۲۸۵	۲۳/۱۲٪
دوره لیسانس	۱۱۹۳۳	۳۷/۱۶٪
دوره فوق دیپلم	۱۲۴۵	۲/۵۹٪
دوره دیپلم	۴۰۳۱	۱۲/۵۵٪
دوره زیر دیپلم	۷۳۹	۲/۳۰٪
تکلیفی	۲۶	۰/۲۶٪

• منبع: سالنامه آماری کشور ۱۳۷۱
وضع حال سال ۱۳۷۱

طور متمایز به تربیت نیروی تحصیلکرده می‌پردازند. جهادسازندگی، هم، با افزایش تعداد مراکز آموزشی خود، مثلاً دبیرستانهای دامپروری این معادله را پیچیده‌تر کرده است.

از آن طرف، وزارت فرهنگ و آموزش عالی و دانشگاه آزاد اسلامی (!) بیش از پیش در بی‌اعتبارسازی فارغ‌التحصیلان کشاورزی، نقش ایفا می‌کنند.

سکی نیست که این تفرقه مراکز آموزشی، در کشاورزی، اوضاع آموزش کشاورزی را دچار تعارض و

دانشگاههای جهان، وارد بازار کار ایران کنیم، تأثیر مناسبی در کشاورزی ایران نخواهد داشت و پس از جندی، آنها را در سمت‌های مختلف از شهردار تا بیمه‌گر و از فرماندار تا پیمانکار از دلال ارز تا دارنده بوتیک مشاهده خواهیم کرد و آنهایی هم که در سازمانهای ستادی مرتبط با کشاورزی، استخدام شوند، درباره کشاورزی ایران با یکدیگر مکاتبه خواهند داشت! بیست و پنج سال پیش، تعداد داوطلبان رشته کشاورزی در دانشگاهها، سنه‌به‌نفر بود که در کنکور سال ۶۷ نیز، همین تعداد شرکت کرده بودند. با توجه به این که دو هزار نفر از آنان به دانشگاهها و مراکز آموزش عالی راه یافته‌اند، شانس پذیرش در این رشته محوری، بیش از هر رشته دیگر در مؤسسات آموزش عالی کشور بوده است و هم اکنون نیز، در حدود هفت هزار نفر در مقاطع کاردانی تا دکترا، در این مؤسسات مشغول تحصیلتند. تعجب‌انگیز تر این که، ده سال پیش که تعداد دانشجویان نصف و تعداد استادان دو برابر زمان حال بود، هیچ دانشگاهی، دوره دکترای رشته‌های کشاورزی را نداشت. ولی اینک که تعداد دانشجویان دو برابر و تعداد اساتید نصف شده است، شاهد آگهیهای گوناگون، برای تربیت دانشجو در دوره دکترا هستیم!

برای این که هر نوع آموزش کشاورزی، تأثیر مثبت و متناسب با تعداد کارشناسان و تخصصهای آنان در کشاورزی ایران داشته باشد، ابتدا باید تشکیلاتی بوجود آید، که بتواند، این فارغ‌التحصیلان را در ارتباط مستقیم و تنگاتنگ با روستاها، واحدهای بهره‌برداری و دهقانان قرار دهد، به طوری که حذف حتی یک نفر از این تشکیلات، تأثیر منفی در کشاورزی ایران بگذارد، چنین تشکیلاتی - چه دولتی و چه خصوصی - فقط می‌تواند در چارچوب تحقیق و بررسی، ترویج و آموزش و تأمین نهاده‌های مورد نیاز فعال باشد و نباید فعالیت دیگری را از آن انتظار داشت. نکته دیگر این که هدف از آموزش به ویژه آموزش عالی کشاورزی، باید تربیت تعدادی تحصیلکرده در کشاورزی باشد و نه کشاورز تحصیلکرده، کشاورزان آزادند که در هر رشته‌ای که مایلند - به شرط پذیرفته شدن در کنکور - ادامه تحصیل دهند و یکی از این رشته‌ها هم می‌تواند، کشاورزی باشد. در غیر این صورت با ادامه روند فعلی

آموزش عالی کشاورزی، دولت به هزینه خود می‌افزاید و برای دستگاه اداری متورم خود، کارمند زاید تربیت می‌کند... [خلاصه کلام آنکه] آموزش و پژوهش و ترویج که کلیدی برای ترکیب بهینه نهاده‌هاست، در حد مطلوب نیست و تعداد فارغ‌التحصیلان آموزش عالی کشاورزی، بیش از نیاز واقعی بازار کار است و از نظر کیفیت نیز، در حد نازلی قرار دارد. تا زمانی که کلیه اسباب و مقدمات لازم، برای یک توان تولیدی «سه تن در هکتار» به کوچکترین واحد بهره‌برداری در دورافتاده‌ترین نقطه کشور انتقال داده نشود، امکان خودکفایی فراهم نخواهد شد و راه میان‌بری نیز وجود ندارد.

شاید، وقت آن رسیده‌است که برای یکبار هم که شده، علت ناکامی را در فقدان سیاست‌های مشخص یا

■ نیروی انسانی دانش‌آموز بخش کشاورزی.

مقطع	تعداد	درصد
زیر دیپلم	—	—
دیپلم	۱۵۰۰۰	۶۳
فوق دیپلم	۶۴۲۸	۲۷
کارشناس	۲۱۲۳	۹
متخصص و دکتر	۲۳۸	۱

■ بیش‌بینی نهاد انقلاب فرهنگی برای سال ۷۰

وضع مطلوب برای سال ۱۳۷۰

ایران، اگرچه کوتاه و مختصر است، لیکن برخی از نارسائیهای نظام آموزش کشاورزی را مورد اشاره قرار داده‌است. وی مواردی از نقایص نظام آموزش کشاورزی را، عنوان کرده‌است. از جمله این‌که:

- جذب بی‌روبه دانشجویان در رشته‌های کشاورزی،
- یک سیاست نسنجیده است و برخلاف نظر مسئولان،
- افزایش تحصیلکردگان کشاورزی لزوماً منجر به

وجود سیاست‌های خلق الساعه جستجو کنیم و بر پژوهش، آموزش و ترویج تاکید بیشتری نماییم. چه آینده کشاورزی ایران را پژوهش، آموزش و ترویج شکل خواهد داد، نه فزون طلبی و آزمندی و تسابق هر چه بیشتر، در مصرف آب، کود، سموم و ماسین‌آلات»^{۲۰}

تحلیل دکتر بای‌بوردی، درباره آموزش کشاورزی

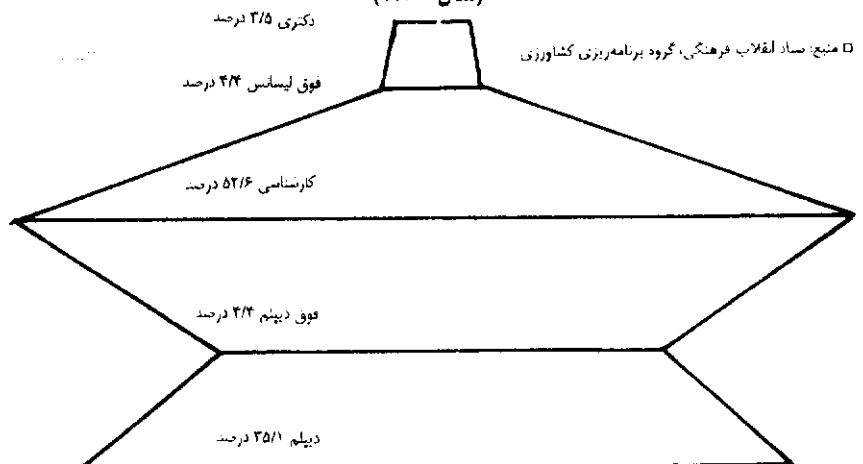
• **متأسفانه، نظام آموزش کشاورزی، به نظامی منزوی و بسته تبدیل شده است.** این نظام، خود را ملزم به هیچ ارتباطی با جامعه روستاییان و کشاورزان نمی‌داند. در اماکن خاصی محدود شده‌اند و حوزه اتصالی با روستاییان و کشاورزان دیده نمی‌شود. بانگاهی به وضعیت تحصیلکرده‌های مقاطع لیسانس و بالاتر آموزش کشاورزی، ملاحظه می‌شود که تجارب کاری و آشنایی با نظام کشاورزی، به عنوان یک فاکتور مهم تلقی نمی‌شود. دانش‌آموختگان به طور صعودی، فقط از صندلیهای مدارس، آموزش‌شده به دانشکده و دانشگاه وارد می‌شوند و برای آنها هیچ برنامه‌ای جهت آشنایی با بازار کار و جامعه‌کاری، تدارک دیده نمی‌شود.

• **آموزش و پژوهش و ترویج که کلیدی برای ترکیب بهینه نهاده‌هاست، در حد مطلوب نیست و تعداد فارغ‌التحصیلان آموزش عالی کشاورزی، بیش از نیاز واقعی بازار کار است و از نظر کیفیت نیز، در حد نازلی قرار دارد.** تا زمانی که کلیه اسباب و مقدمات لازم، برای یک توان تولیدی «سه تن در هکتار» به کوچکترین واحد بهره‌برداری در دورافتاده‌ترین نقطه کشور انتقال داده نشود، امکان خودکفایی فراهم نخواهد شد و راه میان‌بری نیز وجود ندارد.

همرم نیروی انسانی بخش

کشاورزی (تحصیلکردگان)

(سال ۱۳۶۰)



□ منبع: نهاد انقلاب فرهنگی، گروه برنامه‌ریزی کشاورزی

بیشرفت کشاورزی نخواهد شد. به تعبیری دیگر، می‌توان گفت که از دید استاد بای‌بوردی نگرش کمی در تربیت دانش‌آموختگان و دانشجویان کشاورزی، نگرشی باطل بشمار می‌آید و این نگرش غلط را می‌توان، یک نارسایی بنیادی قلمداد نمود.^{۲۱}

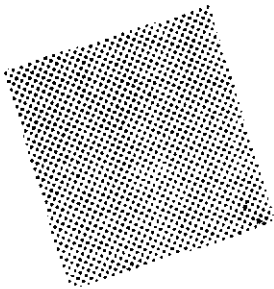
• **استاد تلویحاً معتقد است که در آموزش عالی کشاورزی، هدف صحیحی گزینش نشده است و برای رفع این نقیصه، توصیه نموده‌است که هدف از آموزش عالی کشاورزی باید تربیت تعدادی تحصیلکرده در کشاورزی باشد.**^{۲۱}

• **هم چنین استاد، به عدم ارتباط دانشجویان و دانش‌آموختگان کشاورزی با روستاها، واحدهای بهره‌برداری و دهقانان به عنوان یک نارسایی اشاره نموده‌است.** و...

vocational Education systems :

Agricultural Education in the secondary school in Iran and the Ag. Ed in the secondary in the united states, "University of Minnesota."

Agahi, Hossein et al. 1990. "A Comparison of the west German "Meister" and a minnesota system for Training Farmers", university of Minnesota.



پی‌نوشتها

- ۱۷ - برگرفته از: دکتر اسماعیل شهبازی: توسعه و ترویج روستایی، فصل سیزدهم
- ۱۸ - گروه برنامه‌ریزی کشاورزی ستاد انقلاب فرهنگی، نظام آموزش کشاورزی، کتاب‌پول، کلیات، ۱۳۶۱ (گزارش کار گروه کشاورزی)
- ۱۹ - دکتر منصور شاه ولی در پایان‌نامه دوره کشاورزی ارشدشان (دانشکده کشاورزی کرج سال ۱۳۶۷) علل عدم اجرای طرح نظام آموزش کشاورزی مصوب گروه کشاورزی ستاد انقلاب فرهنگی را مورد پژوهش قرار دادند. علاقه‌مندان می‌توانند این پایان‌نامه را مورد مطالعه قرار دهند.
- ۲۰ - دکتر محمد بای بوردی: منابع و تنگناهای توسعه کشاورزی (خلاصه مقاله ارائه شده به اولین گنگره بررسی مسائل توسعه کشاورزی ایران)، مجله تازه‌های اقتصاد، شماره اردیبهشت ۱۳۶۹.
- ۲۱ - مقاله «سربازان بی‌سلاح، خطبای بی‌هویتها...» نوشته محمد نبی سرپلویکی / مجله اطلاعات علمی / شماره بیست و سوم.
- ۱ - زمانی پور، اسداله، ترویج کشاورزی در فرآیند توسعه، چاپ اول، فروردین ۱۳۷۳، مشهد.
- ۲ - شهبازی، اسماعیل، توسعه و ترویج روستایی، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تیر ماه، ۱۳۷۲، تهران.
- ۳ - گروه برنامه‌ریزی کشاورزی ستاد انقلاب فرهنگی: کتاب اول نظام آموزش کشاورزی (کلیات)، ستاد انقلاب فرهنگی، بهمن ۶۱، تهران.
- ۴ - شمس آذر، هرساله، ضرورت آموزش کارکنان وزارت کشاورزی، مقاله ارائه شده در هفتمین سمینار علمی ترویج کشاورزی، دانشگاه شهید باهنر کرمان ۹ تا ۱۱ شهریور ۷۲، کرمان.
- ۵ - مرکز آمار ایران: سالنامه آماری کشور سال ۱۳۷۱، سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۱، تهران.
- ۶ - بای‌بوردی، محمد: منابع و تنگناهای توسعه کشاورزی ایران (خلاصه مقاله ارائه شده به اولین کنفرانس بررسی مسائل توسعه کشاورزی ایران)، مجله تازه‌های اقتصاد، اردیبهشت ۱۳۶۹.
- ۷ - شریعتی، دکتر علی: انسان بی‌خود (مجموعه آثار ۲۵)، انتشارات قلم، بهمن ۱۳۶۱، تهران.
- ۸ - دانشمند سال بیست و نهم (روزنامه ۴۳) اسفند ۱۳۶۹.
- ۹ - عظیمی، سید عظیم: «آب و زمین» مجله سنبله، شماره ۱۶، اسفند ماه، ۱۳۶۹.
- ۱۰ - سرپلویکی، محمدنبی: «سربازان بی‌سلاح، خطبایان بی‌هویتها، ملوانان بی‌درباه» مجله اطلاعات علمی، شماره بیست و سوم، شهریور ۱۳۶۵.

به اعتقاد صاحب‌نظران، مهمترین عنصری که امروزه در فرآیند توسعه کار است «آموزش» می‌باشد. صاحب‌نظران معتقدند که آموزش‌های علمی - کاربردی، در سرنوشت اقتصادی و صنعت و توسعه کشاورزی کشور، نقش شگرفی خواهند داشت و به عبارتی دیگر، آموزش را کلید سعادت انسان معرفی کرده‌اند.

آموزش کشاورزی نیز، جریانی نظام‌دار است که قاعدتاً به دنبال توسعه اقتصادی کشاورزی ایران می‌باشد و به قول دکتر شهبازی «آموزش کشاورزی بنیان توسعه روستایی است».

بنابراین، پژوهش و مذاقه و تعمق در ویژگیها، کاستیها و نارساییهای نظام آموزش کشاورزی ضرورتی است که باید بدان پرداخته شود. بدون شک، پرداختن جدی به این مقوله، راهنمای مفیدی برای حصول توسعه کشاورزی کشورمان خواهد بود و ما را به آرمانشهر مقاصد و ایده‌آل‌هایمان رهنمون خواهد بود. پژوهش درباره نظام آموزش رسمی کشاورزی ایران، مقوله‌ای است که نیاز به توجهی در خور و شایسته دارد. بدون تردید، برای استقرار یک نظام پویای آموزش کشاورزی، به کاوشهای عمیق‌تر و بررسیهای بیشتر نیازمندیم.

منابع و مأخذ

- Agahi, Hossein. 1990. "Comparison of two

برای درک بیشتر آنچه که در تحلیل مختصر استاد بای‌بوردی نقل شده‌است، شنیدن نظرات یکی از پژوهشگران، می‌تواند حسن ختام مفیدی برای این بخش باشد. این پژوهشگر ارجمند، در بخشی از مقاله خود می‌نویسد که:

«طبق برآورد چینی‌ها، هر نفر دانشجو در حین تحصیل، توسط حدود چهل نفر از اعضای اجتماع تأمین می‌شود (از والدین گرفته تا استادان، نظام آموزشی، اداری و...) یعنی اگر دانشجویی چهار سال در دانشگاه درس بخواند، معادل ۱۶۰ نفر - سال در او سرمایه‌گذاری شده است. یا به عبارتی در این چهار سال، معادل زحمات ۱۶۰ سال یک نفر انسان کارآمد، در او خلاصه شده‌است. حال ببینید، همه ساله، چه سرمایه عظیمی را نه تنها مورد بهره‌برداری قرار نمی‌دهیم، بلکه برای همیشه هم هدر می‌دهیم...»

سوابق‌نامه‌هایی که فعلاً در جهت گسترش دانشگاه‌های داخل کشور موجود است (طرح تمام وقتی، گشایش شعب دانشگاه آزاد اسلامی و...)، در یکی دو سال آینده، خیل این سربازان بی‌سلاح، دو برابر خواهد شد. باید پرسید چه فایده؟ به احتمال زیاد، حتی اگر همه مردم مملکت ما مهندس و دکتر بشوند، با وضع موجود (نظام به ارث رسیده از استعمار) در قطع وابستگی‌های ناهنجار، تغییر اساسی بوجود نخواهد آورد، و ما را از اقتصاد سراسر وابسته به خارج و مصرفی کنونی، رهایی نخواهد بخشید. نمونه‌اش کشور سری‌لانکا است، که از لحاظ تعداد دکترا به جمعیت، در جهان رتبه اول را دارد. با این وجود، نه تنها جزو کشورهای تولیدکننده صنعتی محسوب نمی‌شود، بلکه جزء کشورهای فقیر جهان سوم است...»

جان کلام این‌که: تربیت بی‌رویه دانشجو و دانش آموخته، آفت بزرگی است که نظام آموزش کشاورزی را نیز تهدید می‌کند.

اقتصاد ایران بر کشاورزی استوار است و کشاورزان و روستاییان، تقریباً نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. بسیاری معتقدند که ایران بیش از آن که یک کشور صنعتی باشد، یک کشور کشاورزی است و برنامه‌های عمرانی - اقتصادی کشور، کشاورزی را محور استقلال و توسعه ایران قلمداد می‌نمایند. برنامه‌ریزان کشور، معتقدند که کشاورزی، باید محور توسعه ایران باشد.